

نگاهی به کتاب «فانوسی که افسانه نبود»

همه را شهید کردی خانه آباد!

■ **سمیه دهقان زاده**

به شوخی پرسید «حسن چه خبر است؟ همه را شهید کردی خانه آباد» رمق حتی حرف زدن نداشتم، گفتم در بهشت باز شده و دارم بچه‌ها را یکی یکی می‌فرستم تو.

«سی چهل نفریم، اما خدا با ماست. سه شبانه روز است که خوابیده‌ام. پست این خاکریز نصفه نیمه، فقط شهدا خوابیده‌اند و با خمیار‌هایی که گاهی دوروبرشان منفجر می‌شود هم، بیدار نمی‌شوند.

ساعتی پیش دوست طلبه‌ام حمید ملکی، خودش را به خط رساند، نمی‌دانست دو تا از برادرانش اینجا شهید شده‌اند. به شوخی پرسید «حسن» چه خبر است؟ همه را شهید کردی خانه آباد» رمق حتی حرف زدن نداشتم، گفتم در بهشت باز شده و دارم بچه‌ها را یکی یکی می‌فرستم تو.

این برشی از کتاب «فانوسی که افسانه نبود» به قلم حمید رسام از انتشارات سورره مهر است که خاطرات سردار شهید «حسن ترک» را از زبان خانواده، دوستان و هم‌زمانش روایت می‌کند.

این کتاب، به عنوان یک اثر مستند و معتبر در ۵۲۴ صفحه به زندگی شهید حسن ترک می‌پردازد، برداختی که به دو بخش زندگی شهید قبل از جنگ و در دوران دفاع مقدس اختصاص دارد. یکی از نکات قابل توجه در سیر روایت این کتاب، بهره از زاویه دید اول شخص در داستان است.

در این اثر، نویسنده، داستان واقعی زندگی این سردار شهید را بر پایه گفته‌های ۸۵ رآوی و چهار دفتر یادداشت

«**فانوسی که افسانه نبود» تنها قصه**

آزادی خرمشهر نیست، بلکه نمایی

درونی از محاسبه نفس و تفکر

عمیق شهید حسن ترک در خلوت

خود است. این اثر، به مخاطبان

امروز فرصتی می‌دهد تا با دلاوری‌ها

و چالش‌های روحی این شخصیت

بزرگ آشنا شوند و از آن الهام

بگیرند

روزانه شهید روایت می‌کند، منابعی که شامل نکات و جزئیات مهمی است که شرح آن در ادامه می‌آید، دفاتر چهار گانه یادداشت شهید حسن ترک، به محاسبات و مراقبات اخلاقی و روزنوشت‌های مناطق عملیاتی او از سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ اختصاص دارد.

مصاحبه با ۸۴ نفر (اعم از خانواده، همراه و هم‌زم) نیز به مدت ۱۲۵ ساعت، فرایندی است که خروجی آن را در گفته‌های ارویان کتاب «فانوسی که افسانه نبود» می‌توان دید. همچنین نباید از مکتوبات تاریخی که به شهید حسن ترک اشاراتی داشته غافل شد که این مکتوبات

نیز برگرفته شده از ۱۵ کتاب است و اینها همه جزئیاتی است که بر ادعای حمید رسام، نویسنده کتاب مبنی بر سندیت سطر به سطر کتاب «فانوسی که افسانه نبود» صحه می‌گذارد و مخاطب را با این واقعیت مواجه می‌کند که گرچه داستانی خوش‌خوان و روایی را خوانش می‌کند، اما نعل به نعل آن با واقعیت تاریخی جنگ هشت ساله ایران و عراق و آنچه در جبهه و پشت جبهه رخ می‌داده است، تطابقی شگرف دارد.

البته جز موق بوند در صد بالایی از روایت‌های این اثر، نویسنده کتاب درباره بهره بردن از آیات قرآن در محاسبه‌نفس می‌گوید: «همر فصل کتاب با آیاتی از قرآن کریم آغاز می‌شود که به نوعی با واقع آن فصل پیوند دارد، این انتخاب آیات، نه تنها نشان دهنده عمق ایمان شهید حسن ترک است، بلکه نمایانگر تلاش نویسنده برای ایجاد پیوند میان متن و معانی عمیق قرآنی است.

از منظری دیگر، کتاب «فانوسی که افسانه نبود» تنها قصه آزادی خرمشهر نیست، بلکه نمایی درونی از جزئیات مهمی است که شرح آن در ادامه می‌آید، دفاتر خود است. این اثر، به مخاطبان امروز فرصتی می‌دهد تا با دلاوری‌ها و چالش‌های روحی این شخصیت بزرگ آشنا شوند و از آن الهام بگیرند.»

نکته قابل توجه دیگر در این اثر، تقسیم سخن ارویان به دو بخش متن و پاورقی است که به ضرورت منطقی روایت و با رعایت اصل انسجام و بیکر مندی میان متن و پاورقی مطالب ۸۴ رآوی اعمال شده و آنجا که نوع گزاره‌های خبری است از زبان حسن ترک در متن به



کار آمده است و اگر در توصیف شخصیت حسن ترک بوده یا روایت او را تکمیل می‌کرده، از زبان ۸۴ نفر در پاورقی‌ها آمده است.

اما از محتوا که گذر کنیم، به فرم می‌رسیم. نخستین فرم هویتی هر اثر، نامی است که بر آن می‌گذارند، انسانی و معنوی این شخصیت بزرگ بیشتر آشنا کند و گرچه عکس از نگاه بصری جذابیتی چندانی ندارد، اما پیشینه‌انتخابی آن خواننده‌ی جذاب به نظر می‌رسد.



عکس روی جلد کتاب هم مربوط به شب عملیات بدر است، شبی که در آن شهید مهدی باکری به شهادت رسید. این شب، نمادی از فداکاری و ایثار رزمندگان اسلام

است که نویسنده سعی کرده با روایتش مخاطب را با ابعاد انسانی و معنوی این شخصیت بزرگ بیشتر آشنا کند و گرچه عکس از نگاه بصری جذابیتی چندانی ندارد، اما پیشینه‌انتخابی آن خواننده‌ی جذاب به نظر می‌رسد.

■ **سمیه دهقان زاده**

در این وانفسای گم‌شدن آدم‌ها بین واژه‌های بیگانه و من در آوردی، ریزش تدریجی مخاطبان رسانه ملی در سال‌های اخیر، گسترش محتوای دم دستی و زود بازده فضای مجازی، تمایل افراد به حضور و تماشا در شبکه‌های اجتماعی و رنگ و لعاب فرمی محتواهای توخالی، شبکه دو سیما با برنامه «دو نقطه»، دل به دل نوجوانان داده تا زبان و ادبیات فارسی را با فرمی جذاب و محتوایی درخور به مخاطبان ارائه دهد.

«کم‌کم داره دارک میشه، این ماجرا میک سنس نیست! شاک شدم، مودت چیه؟ من رو میگی بوکر فیس شدم، لست آردر، چی بزیم؟ حق پرومکس، اسپویل نکن، نوب، چه کابل رو گرفتند اینا، گنگش بالااست، چه سوپری توله» خواندید؟ نفس تان بند آمد تا تمام شود؟ حتمی کمی گیج شدید یا لیخند روی صورت‌تان آمده وقت خواندن، اما اگر نوجوان و نسل زدی هستید و گذر تان به این نوشته خورده، احتمالاً بیشتر لذت بردید از خواندن کلمات پشت سر هم ردیف شده بالا و دلتان خواسته ببینید بعد از این کلمات قرار است چه بگوییم و چه بشنوید، جانم برای همه مخاطبان احتمالی این محتوا بگویم مدت‌هاست در کنار حافظ و سعدی و شاهنامه خوانی و راه‌روهای نمایشگاه بین‌المللی کتاب، گفت‌وگوهای کلامی و نوشتاری نسل‌های جوان تر به سمنی رفته که کمتر نوجوان‌ها نسل‌های قبل تر حرف هم را می‌فهمند و حتی خطر نیاز به لغتنامه جدید برای فهم دو طره‌قه برای چند سال بزرگ‌تر و کوچک‌تر بودن افراد وجود دارد.

اما چه باک که ما مردمانی از سرزمین پاریس گو هستیم که بلدیم تهدیدها را به فرصت‌ها تبدیل کنیم و کافی است کمی دل به دل علاقه‌مان به زبان شیرین فارسی بدهند تا دنیا دوباره و چند باره تماشا کنند این زبان ملل مختلف، چه قابلیت‌هایی دارد.

اما از این حرف‌های شیرین که بگذریم، در این وانفسای گم شدن آدم‌ها بین واژه‌های بیگانه و من در آوردی، ریزش



تدریجی مخاطبان رسانه ملی هم بحثی است که آدم نمی‌داند باید کجای دلش بگذارد و گسترش محتوای دم دستی و زود بازده فضای مجازی، تمایل افراد به حضور و تماشا در شبکه‌های اجتماعی و رنگ و لعاب فرمی به اصطلاح محتواهای توخالی و صد البته مدیریت جزیره‌ای رسانه ملی در سال‌های مختلف مواردی است که هر دم به آن دامن زده است.

تقارن بهار قرآن و بهار طبیعت در صفر چهار خورشیدی اتفاقات مبارکی بود که سری جدید سریالی محبوب و چند برنامه قرآنی و معنوی از ردیف آلف تولیدات سیما

برنامه «دو نقطه» شبکه دو سیما نوجوانان را جذب کرد

تقدیم به همه فارسی زبانان به جز فینگیلیشی‌ها



را با اجرای نما کر می‌بینیم.

دو نقطه، با نامگذاری هوشمندانه نه تنها در عنوان اصلی برنامه که در قسمت‌های مختلف آن هم جذابیت ایجاد کرده است و ما در آن با گروهی از نوجوانان که به زبان فارسی عشق می‌ورزند و دغدغه پاس داشتن آن و درست نوشتن خواندن فارسی را دارند آشنا می‌شویم.

فارسی بازی، حدس مثل‌ها، بانا و اشیا و صدا، آزمون برنامه‌ای که به تهیه‌کنندگی مجید طریف در ۶۴ قسمت و با همکاری مؤسسه سوره هنر حوزه هنری تولید شده است در آن رقابت ۳۲ دختر نوجوان و ۳۲ پسر نوجوان

درباره فیلم سینمایی «حمله به H۳» به بهانه سالگرد این عملیات تاریخی

تصویر باشکوه یک عملیات شجاعانه

را تا حدودی تلافی کرد. از همان زمان بود که سایه عقاب‌های ایرانی روی سر ار تش عراق سنگین شد و آنها تصمیم گرفتند بخش مهمی از استعداد نیروی هوایی خود را به دورترین جای ممکن از مرزهای ایران منتقل کنند، یک پایگاه هوایی در نزدیکی مرز اردن به نام «الولید» یا پایگاه H۳. پرواز جنگنده‌های ایرانی تا آن نقطه، عملاً ناممکن به نظر می‌رسید اما نیروی هوایی ارتش ایران در ۱۵ فروردین ۱۳۶۰ یکی از شگفت‌انگیزترین عملیات‌های هوایی تاریخ را به سرانجام رساند و ضربه‌ای سنگین به نیروی هوایی عراق وارد کرد. عملیات حمله به H۳ خیلی زود به دستمایه خلق آثار هنری تبدیل شد. ابعاد نظامی حیرت‌انگیز این عملیات در کنار اهمیت استراتژیک آن و سنگینی ضربه‌ای که به دشمن بعثی وارد شد، این عملیات

بر داخت به یک اتفاق مهم در تاریخ دفاع مقدس تبدیل کرد. کتاب «حمله هوایی به الولید» یکی از آثار هنری تر تبط با این عملیات است که در انتشارات «سوره مهر» به چاپ رسیده است، اما مهم‌ترین اثر هنری تر تبط با این شاهکار نیروی هوایی ایران، یک فیلم سینمایی است؛ فیلمی به نام «حمله به H۳». «حمله به H۳» سال ۱۳۲۳ به کارگردانی شهریار بحرانی و در حوزه هنری تولید شد. جعفر دهقان، حسین یاری و محمد کاسسی از جمله بازیگرانش بودند و مجید انتظامی موسیقی‌اش را ساخت. فیلم، داستان حمله نیروی هوایی ایران به پایگاه هوایی «الولید» را با روایتی ساده و جذاب برای مخاطب عام بازآفرینی کرده است. این فیلم در استانداردهای زمان خود، آکشن قابل قبولی دارد و یک فیلم مهیج به حساب می‌آید. جزئیات

ساخته‌شدنش هنوز ارزش تماشا کردن دارد.

| دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۴ | ۸ شوال ۱۴۴۶ |

هنر



دیوار هنرمندان از کدام نگارگران می‌گوید؟

■ **ناهد منصور**

هنر از دیرباز به عنوان عنصری جدایی‌ناپذیر از جوامع بشری، نقشی اساسی در زندگی انسان‌ها ایفا کرده و حاصل خیالات و رؤیایرذازی‌ها و سیر روح هنرمند در عالم معنا آثاری است که به دست توانای نگارگران خلق می‌شود و در قابی روی دیوار می‌رود. از این حیث تلاش نهاده‌ها و ارگان‌های فرهنگی و هنری برای پرداخت به آثار هنری و معرفی نگاه هنرمند در دک مفاهیم هنری یک ضرورت است. در این میان، مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری که با برنامه‌های هنری سعی در انس هرچه بیشتر مخاطب با هنر و هنرمند دارد، با هدف تبدیل تاریخ هنر شفاهی به سند مکتوب و مصور مدرن‌تر، طراحی از تصاویر نگارگران داشته و شرایطی را مهیا کرده که مراجعان به حوزه هنری با اسکن کیوارکد هر هنرمند، اطلاعات جامعی از آن نگارگر را به دست آورند.

این دیوار آبی رنگ به صورت پیش‌ساخته است و از هر هنرمند یک ویدئو یادگستت دو تا سه دقیقه‌ای ارائه می‌کند. در این دیوار، تمرکز، به‌جای ارائه آثار، روی خود هنرمندان نگارگر است و مخاطب با اسکن کردن کیوارکد ارائه‌شده در بخش پایین‌هر عکس می‌تواند در دو تا سه دقیقه سیر زندگی هنرمند را به صورت کوتاه ببیند.

امیرحسین عالی که کیورتوری دیوار هنرمندان حوزه هنری را بر عهده داشته در این باره می‌گوید: ما می‌توانیم با رسانه‌ای که تحت عنوان موبایل در دست همه ما وجود دارد، با هنر از تباط برقرار کنیم و به شکل جدیدتری با این مقوله مواجه شویم. انتخاب رنگ آبی و نوع ارائه تصاویر هنرمندان روی سطح شفاف پرینت گرفته شده تا به واسطه بازی با سایه، توجه مخاطب را به خود جلب و بازدیدکننده را یکباره از فضای اداری حوزه هنری جدا کند و اینها همه از ویژگی‌های دیوار هنرمندان است.

بر اساس سخنان وی، نگارگرانی که در این دیوار معرفی شده‌اند از پرسابقه‌ترین نگارگرانی هستند که سال‌های تولدشان تقریباً نزدیک به هم است و این نشان می‌دهد همه این افراد از یک نسل هستند و حوزه هنری وام‌دار مرکز هنرهای تجسمی برای راه‌اندازی بوده است.

عالی همچنین لزوم طراحی این دیوار را ترسیم تصویری از آینده برای دانشجویانی که وارد دانشگاه شده و می‌خواهند وارد فضای فرهنگی شوند، می‌داند و معتقد است اگر بخواهیم نسل خوبی در حوزه فرهنگ و هنر داشته باشیم، باید فضایی که در آن هنرمند رشد کرده را به وی بشناسانیم. همچنین از مزایای این پروژه است که ما کسی را مجبور برای آمدن به گالری نمی‌کنیم، بلکه خود افراد جذب این دیوار می‌شوند و شروع به اسکن کیوارکد می‌کنند. این شیوه روانشناختی مدرن است که ما برای کسی باید و نباید تعیین نکنیم ولی با کار فرهنگی مخاطب را جذب اثر هنری سازیم.

در دیوار هنرمندان حوزه هنری این‌ روزها تصویر خشایار قاضی زاده متولد ۱۳۴۰، محمدعلی رجبی دونای متولد ۱۳۳۰، حسین عغمثی متولد ۱۳۳۶، مینا صدری متولد ۱۳۳۸، مرتضی حسینی پور شاندیز متولد ۱۳۳۷، پرویز اسکندری پور خرمی متولد ۱۳۳۸ و جمشید سرحدی متولد ۱۳۴۰ نصب شده است و ما در بخش معرفی فعالیت‌هنرمندی چون قاضی‌زاده می‌بینیم که وی فارغ‌التحصیل در رشته‌های نقاشی، ارتباط تصویری و پژوهش هنر از دانشگاه‌های تهران و تربیت مدرس تا اتمام مقطع دکتر است. تدریس دروس نظری و عملی گروه‌های گرافیک، نقاشی، تصویرسازی و نگارگری در سطوح و مقاطع مختلف دانشگاه‌های شاهر، الزهرا و سوره، استاد یار دانشکده هنر دانشگاه شاهد تهران، مجری طرح‌های تحقیقی با موضوع نگارگری، مدیر بخش نگارگری و تصویرسازی چندین جشنواره ملی و بین‌المللی، تصویرسازی بیش از ۲۰ عنوان کتاب داستانی کودک و نوجوان، ارائه سخنرانی و چاپ مقالات در نشریات هنری بخشی از فعالیت‌های خشایار قاضی‌زاده در حوزه‌های علمی، هنری و فرهنگی کشور است. وی با برپایی نمایشگاه‌های انفرادی، شرکت در نمایشگاه‌های گروهی داخلی و خارجی و حضور در رقابت‌های هنری موفق به دریافت جوایز و السواخ تقدیری متعددی از جمله برگرده سوین دوسالانه نگارگری اسلامی شده و عضو گروه هنرمندان و پژوهشگران مکتب نگارگری کمال‌الدین بهزاد است.

طبق صحبت‌های کیورتوری دیوار هنرمندان حوزه هنری، ایده‌های مر تبط با این برنامه‌ها ممکن است تقویمی از پیش فکر شده باشد یا با اتفاقی که یکباره رخ می‌دهد تبدیل به رویداد هنری شود. همچنین مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری انقلاب اسلامی غیر از رویدادهای اجتماعی- تاریخی سعی دارد از آثار مستری که هنرمندان بنام در سال‌های اخیر انجام داده‌اند و در گنجینه حوزه هنری موجود است، بهره ببرد که دیوار آبی هنرمندان از این جنس است.